

## تحلیل چند حکایت گلستان از دیدگاه روانشناسی

دکتر مهدی صفری\*

تهمینه محمودی\*\*

### چکیده

آنچنان که می‌دانیم شیخ اجل، جناب سعدی شیرازی یکی از شعرای بزرگ پارسی گوی ایران زمین بوده که بیشتر عمر خود را صرف سفر و کسب تجربه و دیدن فرهنگها و ملل گوناگون بوده است. ایشان در آثارش به حالات گوناگون انسانی اشاره کرده و با نگاهی هوشمندانه و تیزبین به بررسی انسان پرداخته. گلستان سعدی چکیده‌ی یک عمر تجربه و حاصل پرداخت ذهنی یک شاعر دوران دیده است. در این پژوهش سعی شده که به بررسی مفاهیمی همچون خشم، حسادت، فداکاری، غیرت، افسردگی و... پرداخته شود تا دیدگاه حضرت سعدی شیرازی را با سایر اندیشمندان روانشناسی مقایسه کنیم و میزان تطابق آنها را بررسی نماییم.

**کلید واژه:** گلستان، سعدی، روانشناسی، ادبیات تطبیقی، شعر

### مقدمه

شیخ الاسلام محقق ملک الکلام افضل المتکلمین ابو مجد مشرف الدین مصلح بن عبدالله سعدی شیرازی را یکی از شعرای بلند پایه ایران در قرن هفتم می‌باشد. بدون تردید می‌توان از پایه‌های استوار ادب پارسی و آثارش را تشکیل دهنده‌ی بر ارزنده ترین اندام‌ها در پیکره شکوهمند و با عظمت فرهنگ این سرزمین دانست (عابدینی مطلق، ۱۳۸۹). گلستان سعدی اثر معروف ادبیات فارسی

Mehdi\_safari@yahoo.com

\* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

\*\* دانشجوی کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور mahmoodi.t.2000@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۰۶

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۳/۲۰

است. اگرچه سعدی دارای آثار متعددی است، اما غالباً وی را با نام گلستان می‌شناسند و همراه می‌کنند. گلستان دارای ارزش ادبی کم نظیر و واجد مؤلفه‌های مهم اخلاقی و تربیتی است. سعدی پژوهان از زوایای گوناگون به شرح و تحلیل آثار او، از جمله گلستان، پرداخته‌اند (رحمانی، مرادی و رضاعی، ۱۳۸۹).

در روزگاری که جنگهای صلیبی از یکسو و حملات ویرانگر مغولان از سوی دیگر، آتش فقر و فساد، ظلم و بیداد، یاس و ترس، فشار و فرار و... را بر جامعه حاکم کرده بود، حکیمی چون سعدی که شاهد و نظاره‌گر این فجایع است، چه می‌تواند بکند؟ بهترین کار همین است، که در بازگشت به وطن برای مردم خاکی نهاد و طمأنینه، بوستان را به هدیه آورد، هرچند که رسم معمول زمانه، آن بوده که «قند مصر»<sup>۱</sup> (مادیات) را هدیه آورند که به درد جسم می‌خورد و به جسم لذت می‌بخشد، اما سعدی با هوشیاری تمام و ذکاوت ذاتیش دریافته است، که معضل مردم روانی است و هدیه مادی فایده‌های ندارد؛ بلکه مناسب حال جامعه و دواي دردشان عنایت و عطای معنوی است؛ پس، همانطور که خودش بیان می‌کند شیرینتر از قند برای مردم به ارمغان آورده است تا بدان تلخی ایام را از روانشان بزدايد و امید و معنی تازه‌ای به زندگی آنها دهد، تا بتوانند به حیات خود ادامه دهند. و همینطور بعد از بوستان، گلستان را خلق می‌کند که در سبب تصنیف آن می‌گوید: « برای نزهت ناظران و فسحت حاضران کتاب گلستانی توانم تصنیف کردن که باد را بر ورق او دست تطاول نباشد و گردش زمان عیش ربیعش را به طیش خریف مبدل نکند. » (گلستان، دیباچه) اگر بر عبارت «نزهت ناظران و فسحت حاضران» تمرکز کنیم، متوجه می‌شویم، که سعدی تأکید روی روان مخاطبان داشته است و هدفش از خلق گلستان لذت روحی بوده است. از طرف دیگر بوستان و گلستان از جنبه زیباشناسی آنچنان زیبا هستند که اگر سایر مزایای آنها را هم نادیده

<sup>۱</sup> در اقصای عالم بگشتم بسی به سر بردم ایام با هر کسی  
تولای مردمان این پاک بوم برانگیختم خاطر از شام و روم  
به دل گفتم از مصر قند آورند بر دوستان ارمغانی برند  
نه قندی که مردم به صورت خورند

تمتع به هر گوشه‌ای یافتیم ز هر خرمنی خوشه‌ای یافتیم  
دریغ آدمم زان همه بوستان تهی دست رفتن سوی دوستان  
مرا گر تهی بود از آن قند دست سخنه‌های شیرینتر از قند هست  
که ارباب معنسی به کاغذ برنند  
(بوستان، دیباچه)



بگیریم، برای تاثیر گذاری بر روان مخاطبان همین یک جنبه کافی است، که با سحر سخنش حس زیبایی دوستی مخاطبان را ارضا نماید و آرامش دلپذیری به آنها دهد که اینکار در روان درمانی یکی از اهداف درمانی است (خانان، ۱۳۹۱).

سعدی سیاحی است با تجربه، که با مسافرت در سرزمین‌هایی با فرهنگ‌ها و آداب و رسوم مختلف، به درک عمیقی از رفتار بشریت رسیده است. وی در بسیاری موارد با استادی تمام به مهندسی رفتار آدمیان می‌پردازد و راه‌های مناسب ارائه می‌دهد. درک او در مواجهه با مردمی که دارای سرشتهای متفاوت‌اند، بسیار عمیق و آگاهانه است. مباحث معیشتی و معلومات و تبعات و پراگماتیسم سعدی در گلستان بازتاب یافته که آینه پرماجرای اوست. واژه پراگماتیسم مشتق از لفظ یونانی و به معنی عمل است. این واژه اول بار توسط چارلز سندرز پرس، منتقدان آمریکائی به کار برده شد. مقصود او از به کار بردن این واژه، روشی برای حل کردن و ارزشیابی مسائل عقلی بود. اما به تدریج معنای پراگماتیسم تغییر کرد. دیدگاه‌های او در مورد شیوه‌های تعلیم و تربیت، فانی بودن جهان مادی... همه نشان دهنده‌ی این است که بسیاری از گفته‌هایش در زمینه‌های مختلف بر یافته‌های نوین روانشناسی منطبق است و گویی سالها در مکتبی خاص به تحصیل این علم پرداخته است؛ اگرچه مواعظ و نصایح شیخ و راهنمایی‌های وی در همه آثارش بعضاً قابل تطبیق با معیارهای روانشناسی است، ولی کتاب گلستان که محصول درک و استنباط او از سیر و سفرهایش و تأمل و مشاهده استقرایی و دقیق او در زندگی و رفتارهای انسان‌ها است؛ البته نمونه‌های خاص و عملی، از مهندسی رفتار می‌باشد (حسینی قیداری، ۱۳۹۴).

امروزه با پیچیده تر شدن زندگی و روابط بین انسانها و وجود فشارها و نا بهنجاری‌های اجتماعی انسان بیش از پیش به اهمیت سلامت روان و فکر پی می‌برد. در این میان گاه خیال، ذهن و فکر آدمی آن چنان آشفته می‌شود که دیگر ادامه راه را برای او دشوار و گاه غیر ممکن می‌سازد. علم روانشناسی در دنیای کنونی جزء علوم است که همواره مورد توجه است و ضرورت وجود آن در جای جای زندگی انسانها حس می‌شود (بدری، ۱۳۹۰).

یکی از تجلی‌های شخصیت فرد، آثار به جا مانده از اوست. سعدی به عنوان فردی مصلح و اندیشه ور در روزگار خویش از فرهنگ حاکم بر جامعه‌ی خود تاثیر پذیرفته است تجلی این تاثیر پذیری

را در آثار ارزشمند بازمانده از وی می‌توان مشاهده کرد. بررسی آثار سعدی از این دیدگاه، هم منعکس کننده‌ی اوضاع فرهنگی روزگار اوست و هم میزان تاثیرپذیری وی را از فرهنگ رایج نشان می‌دهد (بهاروندی، ۱۳۹۰). به نظر می‌آید از آنجا که هدف سعدی تغییر و اصلاح رفتار افراد بشریت است و با تیزبینی ویژه‌ای که داشته و رفتار و طوایف و طبقات و حتی نژادهای مختلف را تجربه کرده، معلمی زبده و کارآمد و آگاه، بار آمده و آنچه می‌گوید، با نگاه تعلیم و تربیت مطابقت دارد و همان چیزی است که امروزه بدان «روانشناسی تربیتی» می‌گویند، زیرا رفتار انسان از دیرباز تا کنون، مورد توجه اندیشمندان بوده و به شیوه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته و در هر دوره و زمانی، از اهمیت خاصی برخوردار بوده است (نظری و همکاران، ۱۳۹۱).

### ادبیات تطبیقی

با در نظر گرفتن اینکه دانش بشری اعم از تاریخ، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و بخصوص روانشناسی؛ انسان و اعمال و رفتار او را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند، می‌توان بیان کرد که دانشمندان علوم انسانی با پدیده واحدی به نام انسان سروکار دارند و تنها تفاوت آنها در نقطه نظر آنهاست (ستوده، ۱۳۷۴). در گلستان سعدی نیز می‌توان مفاهیم و مسائل بسیار یافت که شاخه‌های مختلف علوم انسانی از جمله فلسفه و روانشناسی متأثر از آن است (میدانی و بخشایش، ۱۳۹۱).

ادبیات تطبیقی به طور خاص از قرن نوزدهم پا به عرصه وجود گذاشت و از همان زمان به گستره بررسی‌های ادبی وارد شد و به عنوان یک رشته مستقل در دانشگاه‌ها حضور یافت (کفافی، ۱۳۸۹؛ به نقل از علانی، علانی خرامی، و اسکرمی؛ ۱۳۹۷).

با توجه به مقام استثنایی ادبیات فارسی و در این میان غنای گلستان و نکته‌های اخلاق و روان شناختی نهفته در آن کشف، مقایسه و تطبیق آنها با یافته‌های روان‌شناسی امری ضروری و رسالتی بالقوه به نظر می‌رسد. غلام حسین یوسفی (۱۳۸۶) در کتاب «چشمه روشن، دیداری با شعرا» سعدی را یک روانشناس معرفی کرده و در مورد او گفته است: سعدی در مقام هنرمندی بزرگ و روانشناس، بسیاری از نکات باریک و اندیشه‌های بلند خود را در لباس حکایات دلپذیر عرضه



داشته است و این خصیصه موجب شده که آراء جدی و استوار او به صورتی مطبوع در نظر خواننده، بازتاب داشته باشد (علائی، علائی خرایم، ویسکرمی؛ ۱۳۹۷).

### بررسی صفات انسانی

#### خشم

خشم هیجانی فراگیر است. (آوریل، ۱۹۸۲) هنگامی که افراد جدیدترین تجربه هیجانی خود را توصیف می کنند، خشم هیجانی است که بیشتر به ذهن می آید. (شرر و تانبام، ۱۹۸۶) خشم از مانع به وجود می آید، مثل زمانی که فرد برداشت می کند که نیروهای بیرونی، در برنامه ها، هدفها، یا سلامتی او اختلال ایجاد می کنند. خشم همچنین از خیانت در امانت، مورد بی اعتنائی قرار گرفتن، بی ملاحظه گری دیگران، و رنجش انباشته شده ناشی می شود. (فرو همکاران، ۱۹۹۹) خشم نه تنها پرشورترین هیجان، بلکه خطرناکترین هیجان نیز هست، به طوری که هدف آن نابود کردن موانع در محیط است. تقریباً نیمی از رویدادهای خشم، فریاد کشیدن یا جیغ کشیدن را شامل می شود، و نزدیک به ۲۱ درصد رویدادهای خشم موجب پرخاشگری می شود. (تفریت و همکاران، ۲۰۰۲؛ به نقل از حسینی قیداری، ۱۳۹۴).

سعیدی در گلستان انسان را دعوت به خویشنداری می کند و انسان متواضع در مواجهه با بداخلاقی ها و دشمنیها صبر و شکیبایی خود را از دست نمی دهد و به دره تفکر «همه یا هیچ» سقوط نمی کند، حتی اگر مسئله فوراً حل نشود. صبر، شناخت و بالاترین سعی خود را در آن ارزیابی می کند. به حکایت زیر توجه فرمایید:

حکایت: یکی از صا حیدلان زور آزمایی را دید به هم برآمده و کف بر دماغ انداخته، گفت: این را چه حالت است، گفتند: فلان دشنام دادش، گفت: این فرومایه هزار من سنگ بر میدارد و طاقت سخنی نمی آرد.

گرت از دست بر آید دهنی شیرین کن      مردی آن نیست که مشتی بزنی بر دهنی  
بنی آدم سرشست از خاک دارد      اگر خاکی نباشد آدمی نیست

یا در حکایت دیگر سعدی میفرماید: نخستین کاری که انسان در یک دیالوگ داغ باید انجام دهد این هست که آهسته تر عکس العمل نشان دهد و روی واکنشهای خود بیشتر فکر کند. نخستین چیزی را که به فکر میرسد نگوید، و عمل نکند بلکه آهسته تر پیش برود و به دقت درباره چیزی که میخواهد انجام دهد فکر کند. در عین حال، به دقت آنچه را که طرف مقابل می گوید گوش بدهید و پیش از جواب دادن به خود فرصت اندیشیدن دهد و سعی در بخشیدن و عفو کند تا تسکین یابد. به قول خودش: اول اندیشه وانگهی گفتار!

در ضمن، گوش بسپارید به چیزی که در پشت خشم پنهان شده است. اگر فردی شروع به انتقاد از فعالیت‌های شما می کند، آن طور پاسخ ندهید که طرفتان را یک زندانبان و مأمور نشان دهید. طبیعی است اگر از شما انتقاد شد، حالت دفاعی به خود بگیرید، اما حمله نکنید و تهاجمی نباشید. گوش بسپارید به آنچه در ورای واژه‌هاست: به این پیام توجه کنید که ممکن است به این شخص توجه نشده و بدون عشق مانده است.

حکایت: یکی از پسران هارون الرشید پیش پدر آمد خشم آلود که فلان سرهنگ‌زاده مرا دشنام داد. هارون ارکان دولت را گفت: جزای چنین کسی چه باشد؟ یکی اشارت بکشتن کرد و دیگری بزبان بریدن و دیگری بمصادره و نفی. هارون گفت: ای پسر کرم آنست که عفو کنی و گر نتوانی تو نیزش دشنام ده نه چندان که انتقام از حد درگذرد که آنگاه ظلم از طرف تو باشد و دعوی از قبل خصم.

نه مردست آن به نزدیک خردمند که با پیل دمان پیکار جوید  
بلی مرد آن کس است از روی تحقیق که چون خشم آیدش باطل نگوید  
سعدی می گوید که در هر بحث و جدل تهدید آمیز احتمالاً می طلبد که شما با صبر و اندیشه فراوان سوالات زیادی بکنید، و فضایی برای نفس کشیدن فراهم کنید، اما نگذارید خشم شما- یا خشم طرف شما- بحث را از کنترل خارج کند. خونسردی و خویشتنداری شما، می تواند از اینکه وضعیت فاجعه بار شود، جلوگیری کند (حسینی قیداری، ۱۳۹۴).

### حسادت

در فرهنگ معین، حسادت و حسد این گونه معنی شده است: زوال نعمت کسی را خواستن، رشک بردن، بد خواستن و یکی از صفات پست انسانی است که از اجتماع بخل و شره نفس حاصل می شود. در گلستان نیز همین معنی مستفاد می شود:

شور بختان به آرزو خواهند مقبلان را زوال نعمت و جاه با توجه به این معنی، می توان حسادت را حالتی دانست که به علت احساس کمبود و ناتوانی و بی کفایتی، هنگام مقایسه خود با دیگری، در فرد به وجود می آید و باعث آزار درونی وی میگردد: توانم آنکه نیازم اندرون کسی حسود را چه کنم کوز خود به رنج دزست و در بسیاری اوقات، فرد حسود رفتارهایی را که نشان دهنده حالت درونی اوست و گاهی باعث آسیب و آزار دیگران می شود، از خود ابراز نماید - مانند غیبت کردن (جبل عاملی، ۱۳۷۹).

کند هر آینه غیبت حسود کوتاه دست که در مقابله گنگش بود زبان مقال باک (۱۹۹۹)، حسادت را یک عاطفه اجتماعی می داند که از عواطف سطح بالاتر محسوب می شود و مرکب از عواطف زیست شناختی و پایه های فیزیولوژیک است. روشهایی برای درمان حسادت توصیه شده است: آموزش خود ابرازی و برقراری ارتباط، حساسیت زدایی، شناخت درمانی و انجام رفتارهای تعاملی (دی سیلوا، مارکز؛ ۱۹۹۴).

### فداکاری

فداکاری به عنوان یکی از اصول اخلاقی، در روانشناسی، جایگاه ویژه ای دارد و آن را در رشد روانی فرد بسیار مؤثر می دانند و از آن با عناوینی مانند: بشر دوستی و نوع دوستی هم یاد شده است.

«قانون فداکاری یکی از اولین قوانین بیولوژیکی است و ما آن را حتی در حیوانات تک سلولی نیز مشاهده می کنیم... فداکاری شامل اندیشه ای مترقیانه است. فداکاری عبارت از تسلیم سالخوردگان به نفع جوانان است و این فداکاری برای رشد بیولوژیکی و ترقیات روحی و اخلاقی، منتهای لزوم

را دارد. اندیشه‌ی فداکاری به هیچ وجه با اصول روانشناسی و تشخیص آدمی مخالف نیست، بلکه بعکس برای رشد روانی او کمال لزوم را دارد» (هدفیلد، ۱۳۷۴).

سعدی نیز ارزش فداکاری را در حکایتی زیبا به شرح زیر بیان کرده: «دزدی به خانه پارسایی درآمد. چندان که جست چیزی نیافت. دل تنگ شد. پارسا را خبر شد. گلیمی که در آن خفته بود برداشت و در راه دزد انداخت [تا محروم نشود].»

همچنین در حکایت: «درویشی را ضرورتی پیش آمد گلیمی از خانه یاری دزدید؛ وقتی صاحب گلیم می‌فهمد که می‌خواهند دست دزد را قطع کنند، از او شفاعت می‌کند و می‌گوید: تمام اموال درویشان، وقف محتاجان است و از این طریق با گذشتن از مال خود، دزد را نجات می‌دهد و مانع از قطع شدن دست او می‌شود. بنابراین سعدی در این مورد این گونه فداکاری با بعضی روانشناسان هم عقیده است. البته روانشناسانی نیز هستند که با عمل شخص پارسا و شفاعت کردن از دزد مخالفت میکنند مانند «اسکینر» که معتقد است: «با کنترل کردن تقویت، می‌توان رفتار را کنترل کرد، رفتار همواره تحت تأثیر تقویت است. بنا به نظر «اسکینر» ارگانیسم‌های زنده دائما به وسیله‌ی محیط شرطی می‌شوند.» (هرگنهان و السون؛ ۱۳۸۶؛ به نقل از نظری و همکاران، ۱۳۹۱).

### غیرت

غیرت صفتی است که در انسان موجب برانگیخته شدن فرد برای حفظ و حراست نسبت به چیزی می‌شود که آن فرد اهانت و بیحرمتی دیگران به آنرا قبیح و ناشایست میدانند؛ مانند غیرت دینی، غیرت ناموسی، غیرت وطن دوستی و... به عبارت دیگر، غیرت حالت عاطفی‌ای است که هنگام درک لزوم پاسداری و دفاع از کسی یا چیزی که موجب دلبستگی است، برانگیخته می‌شود. (انوری، ۱۳۸۱) آنچه که در اینجا مورد بحث قرار خواهد گرفت غیرت ناموس و خانواده است و آن به معنای این است که انسان از اهل خود غافل نشود و اهمال در امری که عاقبت آن به فساد منجر می‌شود نکند و زنان خود را از دیدن مردان نامحرم حفظ کند. (نراقی، ۱۳۷۱؛ به نقل از قیداری، ۱۳۹۴).

حکایت: منجمی به خانه در آمد یکی مرد بیگانه را دید با زن او به هم نشسته، دشنام و سقط گفت و فتنه و آشوب خاست. صاحب دلی که برین واقف بود گفت:





تو بر اوج فلک چه دانی چیست که ندانی که در سرایت کیست این حکایت مثل مردیست که آن چنان به کار خود سرگرم است که دیگر وقتی برای زن خود ندارد و در نتیجه زن او آنچه را که از شوهر نمی‌یابد، در مردی دیگر می‌جوید. البته این حکایت را بدینگونه نیز می‌توان تعبیر کرد که آنچه زن از شوهر خود نمی‌یابد، الزاماً عمل جنسی نیست، بلکه غیرت و نظاره‌گری، مرد بر اوست. در این حکایت سعدی بر نقش نظارتی مرد بر زن تأکید می‌کند و آن را یکی از مهمترین اصول زندگی می‌داند و این دیدگاه تطابق کاملی با روانشناسی تکاملی دارد. سعدی می‌گوید:

زن خوب فرمانبر پارسا کند مرد درویش را پادشا  
این غیرت ورزی است یعنی او زنی را می‌پسندد که خوبی اش در فرمان بری اش است و حرف مرد و نظارت او را قبول می‌کند. سعدی این زن را دوست میدارد، به عنوان همسر و مادر بچه‌ها او را می‌پذیرد و از زیبایی اش تعریف می‌کند. یا در در حکایتی دیگر نقل می‌کند:

حکایت: پیری حکایت کند که دختری خواسته بودم و حجره به گل آراسته و به خلوت نشسته و دیده و دل بر او بسته، شبهای دراز نخفتمی و بذله‌ها و لطیفه‌ها گفتمی، باشد که مؤانست پذیرد و وحشت نگیرد. از جمله شبی همی گفتم: بخت بلندت یار بود و چشم دولت بیدار که به صحبت پیری افتادی پخته، پرورده، جهان‌دیده، آرمیده، گرم و سرد چشیده، نیک و بد آزموده که حقوق صحبت بداند و شروط مودت بجای آورد. مشفق و مهربان و خوش طبع و شیرین زبان.

تا توانم دلت به دست آرم و بر بی‌آزاریم، نی‌آزارم  
ور چو طوطی، شکر بود خورشت جان شیرین فدای پرورشت  
نه گرفتار آمدی به دست جوانی مُعجَب، خیره رأی، سرتیز، سبک پای، که هر دم هوسی پزد و هر لحظه رأیی زند و هر شب جایی خسبد و هر روز یاری گیرد.

جوانان خرمنند و خو بر خسار ولیکن در وفا با کس نپایند  
وفاداری مدار از بلبلان چشم که هر دم بر گلی دیگر سرایند  
خلاف پیران که به عقل و ادب زندگانی کنند، نه به مقتضای جهل و جوانی.

ز خود بهتری جوی و فرصت شمار که با چون خودی گم کنی روزگار

## خُلق غمگین و افسردگی

افسردگی (Depression) یکی از اختلالات روانی است که گاه معنای آن با غم و اندوه یکسان پنداشته می‌شود. اگر چه غمگینی معادل افسردگی نیست، بی تردید افسردگی شامل حالت غمگینی است که بر زندگی روزمره، فعالیت، ارزشیابی خود، قضاوت و کنشهای ابتدایی مثل خواب و اشتها اثر می‌گذارد و غمگینی می‌تواند واکنشی نسبت به یک رویداد رنج آور باشد و هنگامی مرض محسوب می‌شود که از لحاظ شدت و طول مدت یا در نظر گرفتن اهمیت این رویداد، جنبه افراطی پیدا و بخصوص وقتی بدون علت ظاهری آشکار شود (خانان، ۱۳۹۱).

بارزترین نمونه افسردگی در گلستان افسردگی خود سعدی است که بعد از نوشتن بوستان و قبل از آغاز گلستان به او دست داده است که سعدی در دیباچه گلستان آن را اینگونه بیان کرده است:

یک شب تأمل ایام گذشته می‌کردم و بر عمر تلف کرده تأسف می‌خوردم و سنگ سراجچه دل به الماس آب دیده میسفتم و این بیتها مناسب حال خود می‌گفتم:

هردم از عمر می‌رود نفسی	چون نگه می‌کنم نمازند بسی
ای که پنجاه رفت و در خوابی	مگر این پنج روز دریایی
خجل آنکس که رفت و کار نساخت	کسوس رحلت زدند و بار نساخت
خواب نوشین بامداد رحیل	باز دارد پیاده را از سبیل
هر که آمد عمارتی نو ساخت	رفت و منزل به دیگری پرداخت
وان دگر پخت هم چنین هوسی	وین عمارت به سر نبرد کسی
یار ناپایدار دوست مدار	دوستی را نشاید این غدار
نیک و بد چون همی بیایدم کرد	خنک آنکس که گوی نیکی برد
برگ عیشی به گور خویش فرست	کس نیارد زپس، ز پیش فرست
عمر برف است و آفتاب تموز	اندکی ماند و خواجه غره هنوز
هر که مزروع خود بخورد به خوید	وقت خرمنش خوشه باید چید



بعد از تأمل این معنی مصلحت آن دیدم که در نشیمن غزلت نشیمن و دامن صحبت فراهم چینم و دفتر از گفته‌های پریشان بشویم و من بعد پریشان نگویم.

زبان بریده به کنجی نشسته صم بکم به از کسی که زبانش نباشد اندر حکم در حکایتی که آمد، سعدی در مرگ دوستش آنچنان متأثر، متأسف و متحسر است که برای خودش نیز آرزوی مرگ می‌کند و این حسرت و غم جدایی، موجب شده که دیگر کسی را دوست نداشته باشد و به کسی هم دل نبدد که این حالت‌ها ناشی از اختلال افسردگی است (همان).

### بررسی مفاهیم مکتب روانشناسی شناختی در گلستان سعدی ناهماهنگی شناختی

اغلب افراد نظر نسبتاً مطلوبی درباره خودشان دارند. اغلب افراد خود را شایسته، با وجدان، و معقول می‌دانند. چنین خودانگارهای به صورت مجموعه‌ای از عقاید درباره خود جلوه‌گر می‌شود. اما گاهی افراد رفتارهایی را انجام می‌دهند که باعث می‌شوند احساس کنند احمق، بیوجدان، و نامعقول هستند. برای مثال افراد سیگار می‌کشند، آشغال می‌ریزند، دروغ‌های مصلحت‌آمیز می‌گویند، به بازیافت توجهی نمی‌کنند، با بی احتیاطی رانندگی می‌کنند، در کلاسها غیبت میکنند، با غریبه‌ها بی ادبانه برخورد می‌کنند، و به رفتارهای ریاکارانه دیگری از این قبیل می‌پردازند. وقتی عقاید مربوط به اینکه خود کیست با کاری که خود انجام می‌دهد، ناهمخوان باشد، (یعنی اعتقاد داشتن به چیزی ولی رفتار کردن مخالف با آن) افراد دستخوش نوعی حالت ناراحتی روانشناختی میشوند که ناهمخوانی شناختی نامیده می‌شود. (آرونسون، ۱۹۶۹، ۱۹۹۲، ۱۹۹۹، فیستنر، ۱۹۵۷، جرارد، ۱۹۹۲؛ جونز و میلز، ۱۹۹۹؛ به نقل از حسینی قیداری، ۱۳۹۴).

سعدی در گلستان می‌گوید: «شکر این نعمت چگونه گذاری که بهتر از آنی که پندارندت». نیک باشی و بدت گوید خلق به که بد باشی و نیکت بینند. یا در جایی دیگر میفرماید: ای درونت برهنه از تقوی کز برون جامه‌ی ریا داری به نظر میرسد در دیدگاه شیخ اجل مهمترین معیاری که وجود دارد پیروی از حقیقت و واقعیت و اولویت و عینیت بخشیدن به آنهاست. به عبارت دیگر فرد باید نهایت سعی خود را به کار برد تا واقعیت، حقیقت و موازین اخلاقی را آن چنانکه هستند و به طور

عینی درک کند و دریابد. بنابراین فرد باید تمام تلاش خود را از لحاظ انسانی ممکن است انجام دهد تا ریاکاری را به حداقل برساند. به عبارت دیگر سعی کند تا جایی که می‌تواند اعمالش را با باورها و اعتقادات خود منطبق سازد مگر آن که از لحاظ عینی در این باورها نقصان و شکافی رخ داده باشد. تغییر نگرش یکی از راه‌های کاهش ناهماهنگی شناختی و دوری از ریا است، و زیر سؤال بردن اعتبار منبع اطلاعات است که سعدی در گلستان به آن اشاره می‌کند. در اینجا سه روایت در سرزنش ریاکاری از گلستان نقل می‌کنیم:

حکایت: یکی را از بزرگان به محفلی اندر همی ستودند و در اوصاف جمیلش مبالغه می‌کردند سر بر آورد و گفت من آنم که من دانم.

حکایت: زاهدی مهمان پادشاهی بود. چون به طعام بنشستند، کمتر از آن خورد که عادت او بود و چون به نماز برخاستند، بیش از آن کرد که خواست او بود تا ظن شایستگی در حق او زیادت کنند. چون به منزل خویش آمد، سفره خواست تا تناولی کند. پسری صاحب هوش داشت. گفت: ای پدر، در مجلس سلطان طعام نخوردی؟ گفت: در نظر ایشان چیزی نخوردم، که به کار آید. پسر گفت: نماز را هم قضا کن که چیزی نکردی که به کار آید.

عیبه‌ها بر گرفته زیبر بغل ای هنرها گرفته بر کف دست  
روز درماندگی به سیم دغل تا چه خواهی خریدن ای مغرور  
حکایت: یکی از جمله صالحان به خواب دید پادشاهی را در بهشت و پارسایی در دوزخ پرسید که موجب درجات این چیست و سبب درکات آن که مردم به خلاف این معتقد بودند. ندا آمد که این پادشاه بارادت درویشان به بهشت اندرست و این پارسا به تقرب پادشاهان در دوزخ.  
دلقت به چه کار آید و مسحی و مرقع خود را ز عملهای نکوهیده بری دار  
حاجت به کلاه بر کی داشتنت نیست درویش صفت باش و کلاه تتری دار

### هم نظم دهی

هم نظم دهی (هم سامانی) یکی از مفاهیم روانشناسی شناختی می‌باشد. منظور از هم نظم دهی یا هم سامانی یک فرایند همیاری است که در آن معلم و دانش آموز مشترکاً فعالیت درسی را طراحی



می‌کنند، بر آن نظارت می‌نمایند و از آن ارزشیابی به عمل می‌آورند. طبق این اصل، وقتی که دانش آموزان الگوهای حمایت‌کننده برای مشاهده در اختیار دارند، به سرعت ساماندهی الگو را تقلید و درونی می‌کنند. الگوهای خشن و غیرپشتیبان اشتیاق فرد را برای تقلید و درونی‌سازی آنچه که می‌بینند از آنان سلب می‌کند (سیف، ۱۳۸۸). سعدی نیز ارزش هم‌نظم دهی را در حکایتی چند به شرح زیر بیان کرده است:

دزدی به خانه پارسایی در آمد. چندان که جست، چیزی نیافت. دلتنگ شد. پارسا را خیر شد. گلیمی که در آن خفته بود، برداشت و در راه دزد انداخت (تا محروم نشود). همچنین در حکایت چهاردهم باب دوم آمده: درویشی را ضرورتی پیش آمد، گلیمی از خانه یاری دزدید. وقتی صاحب گلیم می‌فهمد که می‌خواهند دست دزد را قطع کنند، از او شفاعت می‌کند و می‌گوید: تمام اموال درویشان، وقف محتاجان است و از این طریق با گذشتن از مال خود، دزد را نجات می‌دهد و مانع از قطع شدن دست او می‌شود. در واقع هدف سعدی ارائه الگوهایی نیست که اشتیاق فرد را برای درونی‌سازی تربیت، مانع شود، بلکه او با ذکر این حکایات موضوع همسامانی را به طور عملی و در بطن جامعه نشان می‌دهد (علانی و همکاران، ۱۳۹۷).

### اصل مجاورت

در میان روانشناسان «گشتالتی» اصلی وجود دارد که به «اصل مجاورت» معروف است. نخستین بار ارسطو این نظر را پیش کشید که «هرگاه دو رویداد نزدیک به هم رخ می‌دهد بین آنها تداعی به وجود خواهد آمد.» (دیز و هالسی، ۱۳۶۳) همچنین در کتاب «نظریه‌های یادگیری» در تعریف مجاورت آمده است: «هر چه دو عنصر به هم نزدیکتر باشند، به همان نسبت بیشتر احتمال دارد که با هم یک گروه تشکیل دهند.» (هیلگارد و باور، ۱۳۷۱). سعدی در کتاب گلستان با بیانی زیبا، اصل مجاورت را مد نظر قرار داده و می‌گوید:

گلی خوشبوی در حمام روزی رسید از دست مجبویی به دستم  
بدو گفتم که مشکی یا عبیری که از بوی دلاویز تومستم؟  
بگفتمن گلی ناچیز بودم ولیکن مدتی با گل نشستم

کمال همنشین بر من اثر کرد و گرنه من همان خاکم که هستم  
 سعدی همین مفهوم را در جایی دیگر دوباره تکرار میکند و این نشان می‌دهد که سعدی اصل  
 مجاورت و تأثیرگذاری آن را قبول داشته است:

جامه‌ی کعبه را که می‌بوسند او نه از کرم پیله نامی شد  
 با عزیززی نشست روزی چند لاجرم همچو او گرامی شد  
 و باز در جایی دیگر به این اصل چنین اشاره می‌کند:

با بدان یار گشت پسر نوح خاندان نبوتش گم شد  
 سگ اصحاب کهف روزی چند پی نیکان گرفت و مردم شد  
 گویا سعدی بر این اصل خیلی تأکید داشته که بارها آن را به تعابیر مختلف تکرار مینماید: «هر که  
 با بدان نشیند، نیکی نبیند.» (نظری و همکاران، ۱۳۹۱).

### سرمشق و الگو

در روانشناسی، جایگاه سرمشق و الگو در شکل‌گیری شخصیت فرد بسیار اهمیت دارد. «سرمشق: به یک فرد واقعی اطلاق می‌شود که رفتارش به عنوان محرکی برای پاسخدهی مشاهده‌کننده، به کار می‌رود» (فرانکوویس، ۱۳۷۰). بنابراین سرمشق کسی است که رفتارش موجب برانگیخته شدن رفتار دیگران می‌شود. این عقیده، از قدمت زیادی برخوردار است: «این باور که انسانها از راه مشاهده‌ی انسان‌های دیگر می‌آموزند، دست کم به یونان باستان چون افلاطون و ارسطو برمی‌گردد» (هرنگهان و السون، ۱۳۸۶). از میان روانشناسان، «آلبرت بندورا» برای یادگیری مشاهده‌ای، اهمیت زیادی قائل است. از نظر وی: «الگو چیزی است که اطلاعاتی را انتقال می‌دهد. طبق این نظریه، مشاهده‌ی تجربه‌ی شخص دیگر بر رفتار، تأثیر می‌گذارد» (همان).

سعدی به عنوان شاعری حکیم و فرزانه، به نقش الگو در شکل‌دهی شخصیت افراد کاملاً آگاه بوده و در قالب حکایات و نصایحی به بیان آن پرداخته است. مسأله‌ی سرمشق و الگو که در روانشناسی مطرح است، به شیوه‌های مختلف در گلستان سعدی انعکاس یافته است. یکی از این



موارد را می‌توانیم در داستان انوشیروان و تأکید او بر گرفتن نمک به بهای مناسب ذکر کرد... او معتقد است، رفتار پادشاه و اطرافیان او الگوی دیگر افراد است:

اگر زباغ رعیت ملک خورد سببی بر آوردند غلامان او درخت از بیخ  
به پنج بیضه که سلطان ستم روا دارد ز نند لشکریانش هزار مرغ به سیخ  
اگر این داستان را سعدی در جای دیگری ندیده باشد و بر مبنای عدل انوشیروانی که در کتاب‌ها  
بوده، به ساختن آن مبادرت کرده باشد؛ این گفته‌ی ما را که سعدی برای تأثیر الگو و سرمشق در  
رفتار انسان جایگاه ویژه‌ای قائل بوده است؛ تأیید می‌نماید (نظری و همکاران، ۱۳۹۱).

### نتیجه‌گیری

آنچنان که مطرح شد سعدی علاوه بر اینکه شاعری بی‌بدیل و هنرمندی بزرگ است یک انسان شناس و روانشناس نیز می‌باشد. اشعار و نثرهای ایشان همچون معلمی دانا و خردمند، آدمی را آگاه و روشن می‌سازد که بی‌گمان همین خصلت ناب قلم حضرتشان بوده که آثارش اینچنین قدرتمند در ذهن مردم جهان نقش بسته است. آثار سعدی منجمله گلستان نه تنها یک اثر ادبی یکتا، بلکه یک مکتب‌خانه‌ی انسان‌شناسی (اعم از روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و...) می‌باشد که پژوهشگران میبایست نگاه عمیق تری بدان داشته باشند. همانطور که مشاهده شد دیدگاه شاعر پر آوازه ایرانی، سعدی شیرازی، در حوزه مفاهیم روانشناسی با اندیشمندان و نظریه پردازان این علم همسو می‌باشد. خلاصه استادسختن مفاهیم روانشناسی را چه ماهرانه در قالب نظم و نثر به یادگار گذاشته، که بتوانیم از رهنمود هایش درس اخلاق و بزرگ منشی بگیریم.

### منابع

- خانیان، حمید، (۱۳۹۱)، شیوه بیان سعدی در برخورد با افسردگی در بوستان و گلستان. فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) علمی- پژوهشی. سال پنجم شماره دوم شماره پیاپی ۱۶.

- حسینی قیداری، ابوالفضل، (۱۳۹۴)، تحلیل و بررسی چند مفهوم روان شناختی در گلستان سعدی. کنفرانس بین المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی. تهران.
- رحمانی، فاتح، مرادی، محمدهادی، رضاعی، فرزین، (۱۳۸۹)، بررسی گلستان سعدی با تکیه بر یافته‌های روان تحلیلی. مجله‌ی بوستان ادب. دوره دوم، شماره سوم، پیاپی ۵۹/۱.
- بدری، بهاره، (۱۳۹۰)، شناسایی و تبیین مولفه‌های روانشناسی مثبت در بوستان و گلستان سعدی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه روانشناسی گرایش بالینی. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. دانشگاه علامه طباطبایی.
- بهاروندی، آذر، (۱۳۹۰)، بررسی بوستان و گلستان سعدی با تکیه بر روان شناسی فرهنگی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه زبان و ادبیات فارسی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه لرستان.
- نظری، جلیل، الهی‌زاده، صغری، رضانی، خسرو، (۱۳۹۱)، نقد روانشناختی گلستان سعدی. فصلنامه پژوهش‌نامه ادبیات و زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فیروزآباد، سال اول، شماره اول.
- ستوده، هدایت‌اله، (۱۳۷۴)، درآمدی بر روانشناسی اجتماعی، تهران، موسسه انتشارات آوای نور.
- میدانی، مرضیه؛ بخشایش، علیرضا، (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی نموده‌های انسانگرایی در گلستان سعدی با رویکرد روانشناسی انسانگرا. کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی، شماره ۲۴.
- علائی، رقیه، علائی خرایم، سارا، ویسکرمی، حسن‌علی، (۱۳۹۷)، نقد گلستان سعدی از دیدگاه نظریه شناختی - اجتماعی بندورا. پژوهش ادبیات معاصر جهان، دوره ۲۳، شماره ۲.
- یوسفی، غلامحسین، (۱۳۸۶)، چشمه روشن، دیداری با شاعران. تهران، انتشارات علمی.
- جیل عاملی، اشرف، (۱۳۷۹)، بررسی مقولات مربوط به آسیب‌های روانی در گلستان سعدی. دانش و پژوهش، شماره ۶.
- هدفیلد، ژ. آ، (۱۳۷۴)، روانشناسی و اخلاق. ترجمه‌ی علی پریور. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی





- انوری، حسن، (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۶، تهران، نشر سخن. چاپ نخست.
- لفرانکوویس، گایار، (۱۳۷۰)، روانشناسی برای آموزش. ترجمه ی منیجہ شهنی ییلاق. تهران: چاپخانه آرین.
- هیلگارد، ارنست و باور، گوردون، (۱۳۷۱)، نظریه‌های یادگیری، ترجمه ی محمدنقی براهنی. ج اول. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- دیز، جیمز و هالسی، استوارت، (۱۳۶۳)، روانشناسی یادگیری، ترجمه ی محمدنقی براهنی، تهران: نشر رضا.
- De-silva, padmal; Marks, Melanie (1994), jealousy as a clinical problem: practical issues of assessment and treatment .
- Buck,R (1999), the biological affects: a typology. (medline)
- Kafafi, mohammad abdolsalam (1389/2010). Adabiyate tatbighi (comparative literature). Tranl. By seyeyed hossein seyeyedi. 2. ed. mashhad: Behnashr .

Archive